

فرانسه تحولات تاریخ

جمهوری‌ها و انقلاب‌ها

۱۷۸۹ – ۲۰۲۴

سیاسی، تاریخ در چندوجهی پژوهش

فرهنگی و اقتصادی اجتماعی،

سیاسی فلسفه و ذهنیت‌ها طبقات، نقش بر تأکید با

RF

۱۴۰۳

فهرست مطالب

۵

فصل صفر: خلاصه مدیریتی

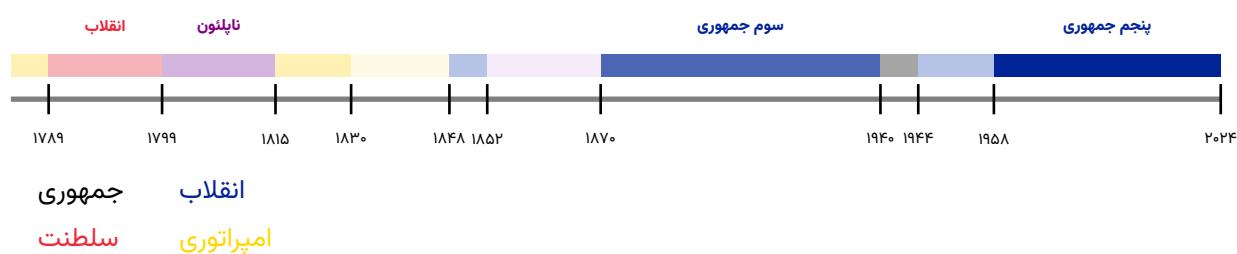
۱۱	۱	مقدمه و چارچوب نظری
۱۱	۱.۱	طرح مسئله: معمای فرانسوی
۱۲	۱.۱.۱	فرانسه در مقایسه با همسایگان
۱۲	۲.۱	چارچوب نظری: رویکرد چندوجهی
۱۲	۱.۲.۱	لنز اول: تاریخ سیاسی (رویدادمحور)
۱۳	۲.۲.۱	لنز دوم: جامعه‌شناسی سیاسی (ساختارمحور)
۱۳	۳.۲.۱	لنز سوم: روان‌شناسی اجتماعی (ذهنیت‌ها)
۱۳	۴.۲.۱	لنز چهارم: اقتصاد سیاسی
۱۴	۵.۲.۱	لنز پنجم: فلسفه سیاسی
۱۴	۳.۱	فلسفه سیاسی و انقلاب: تحلیل عمیق
۱۵	۱.۳.۱	سه سنت فلسفی مؤثر
۱۷	۲.۳.۱	میزان آگاهی از فلسفه سیاسی: نخبگان و عوام
۱۸	۳.۳.۱	الاهیات سیاسی: نقش دین در تحولات
۲۰	۴.۱	روش‌شناسی: تاریخ از بالا و از پایین
۲۱	۱.۴.۱	تاریخ از بالا: چهره‌ها و تصمیمات
۲۱	۲.۴.۱	تاریخ از پایین: توده‌ها در صحنه
۲۲	۵.۱	تحلیل ذهنیت‌ها (Mentalités)
۲۲	۱.۵.۱	مؤلفه‌های ذهنیت انقلابی فرانسوی
۲۳	۶.۱	ساختار کتاب
۲۳	۷.۱	پرسش‌های راهنمای برای هر فصل
۲۳	۸.۱	منابع فصل اول
۲۴	۱.۸.۱	منابع اولیه
۲۴	۲.۸.۱	منابع ثانویه

فصل صفر: خلاصه مدیریتی

خلاصه فصل صفر

این فصل نمای کلی از ۲۳۵ سال تحولات فرانسه را ارائه می‌دهد. فرانسه از ۱۷۸۹ تا ۲۰۲۴ شاهد سه انقلاب بزرگ، دو امپراتوری، دو بازگشت سلطنتی، پنج جمهوری، و یک دوره اشغال بوده است. این تحولات فرانسه را به «آزمایشگاه انقلاب‌ها» تبدیل کرده و الگوهای مهمی برای فهم تغییرات سیاسی ارائه می‌دهد.

۱.۰ نقشه کلان تحولات فرانسه



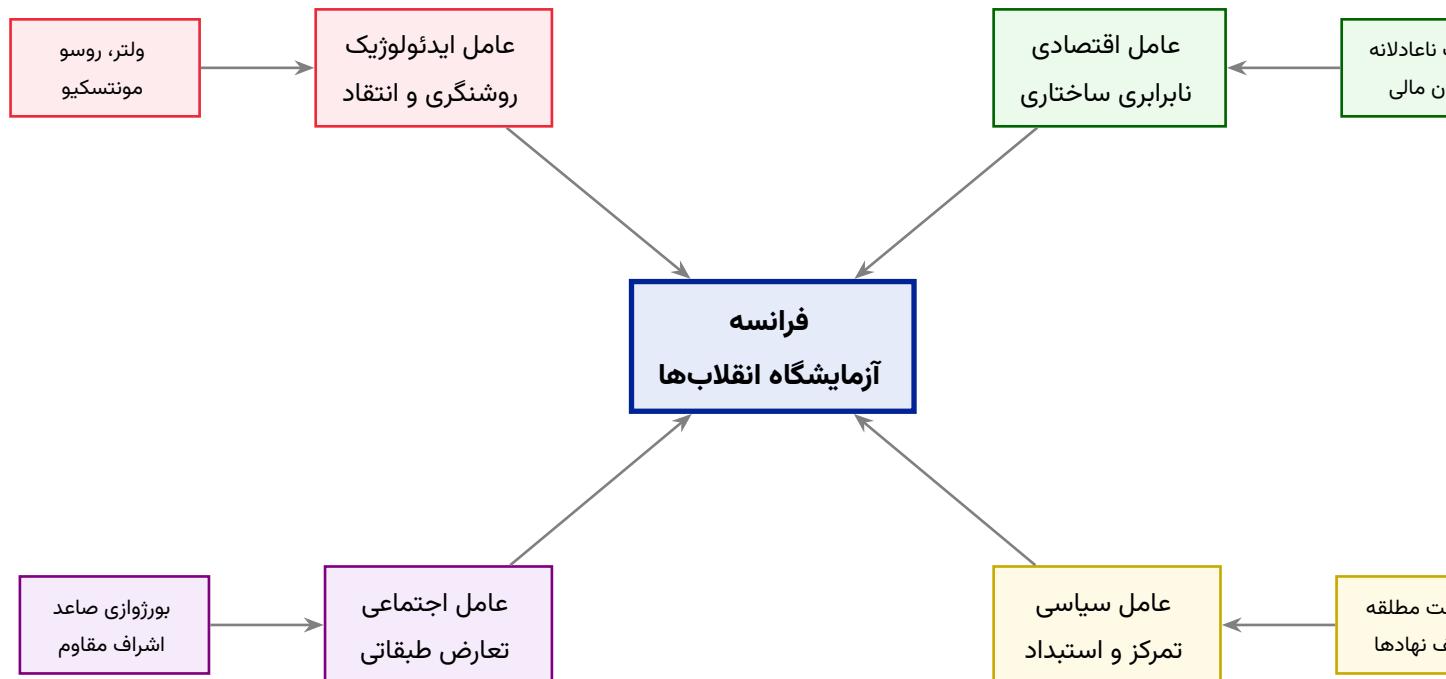
شکل ۱: خط زمانی کلان تحولات فرانسه (۲۰۲۴-۱۷۸۹)

۲.۰ آمار کلیدی

جدول ۱: آمار کلیدی تحولات سیاسی فرانسه (۱۷۸۹-۲۰۲۴)

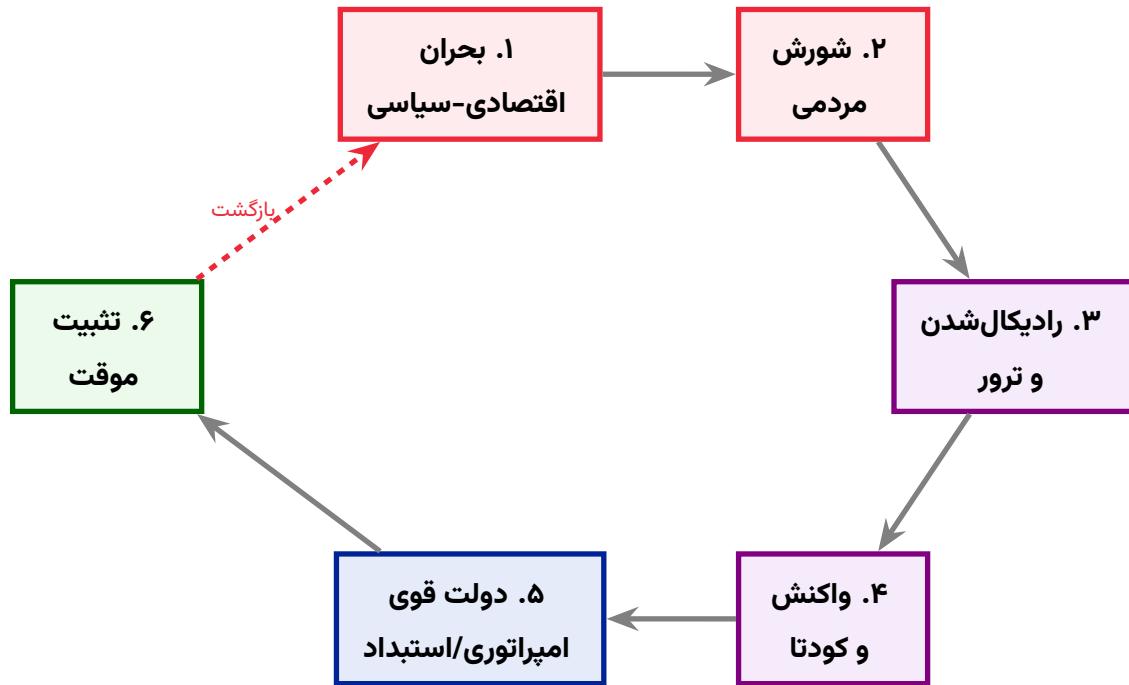
توضیح	تعداد	شاخص
اول تا پنجم	۵	تعداد جمهوری‌ها
۱۸۴۸، ۱۸۳۰، ۱۷۸۹	۳	تعداد انقلاب‌های بزرگ
نایلئون اول و سوم	۲	تعداد امپراتوری‌ها
از ۱۷۹۱ تا ۱۹۵۸	+۱۵	تعداد قانون اساسی
قبل از جمهوری سوم	۱۵ سال	میانگین عمر رژیم‌ها
جمهوری سوم	۷۰ سال	طولانی‌ترین جمهوری
جمهوری دوم	۴ سال	کوتاه‌ترین جمهوری

۳.۰ نقشه مفهومی: چرا فرانسه آزمایشگاه انقلاب‌ها شد؟



شکل ۲: نقشه مفهومی: عوامل انقلابی بودن فرانسه

۴.۰ چرخه‌های تحول



شکل ۳: چرخه تکرارشونده تحولات فرانسه

۵.۰ پنج جمهوری: مقایسه اجمالی

جدول ۲: مقایسه پنج جمهوری فرانسه

جمهوری	دوره	طول عمر	پایان	ویژگی اصلی
اول	۱۸۰۴-۱۷۹۲	۱۲ سال	کودتا	رادیکالیسم
دوم	۱۸۵۲-۱۸۴۸	۴ سال	کودتا	نایابداری
سوم	۱۹۴۰-۱۸۷۰	۷۰ سال	شکست نظامی	پارلمانتاریسم
چهارم	۱۹۵۸-۱۹۴۶	۱۲ سال	بحران الجزاير	ضعف اجرایی
پنجم	۱۹۵۸-اکنون	+۶۶ سال	ادامه دارد	ریاست محوری

۶.۰ الگوهای کلیدی

الگوهای اصلی قابل استخراج

۱. الگوی بحران مالی: هر انقلاب بزرگ با بحران مالی آغاز شد
۲. الگوی طبقه میانی: بورژوازی موتور تحولات بود
۳. الگوی رادیکالشدن: انقلاب‌ها به چپ می‌لغزند، سپس واکنش می‌آید
۴. الگوی ناپلئونی: بحران مرد قوی تمرکز قدرت
۵. الگوی پاریس محوری: پایتخت تعیین‌کننده سرنوشت کشور است
۶. الگوی نهادسازی تدریجی: جمهوری‌ها از تجربه‌های قبلی آموختند

۷.۰ نقش فلسفه سیاسی: نگاه اجمالی

نقل قول کلیدی

«ایده‌ها، بدون شرایط اجتماعی، قدرت تغییر ندارند؛ اما شرایط اجتماعی بدون ایده‌ها، جهت ندارند.»

– الکسی دو توکویل

فلسفه سیاسی در تحولات فرانسه نقشی دوگانه داشت:

- در سطح نخبگان: ایده‌های روشنگری چارچوب مفهومی انقلاب را فراهم کرد
- در سطح عوام: شعارهای ساده‌شده («آزادی، برابری، برادری») بسیج‌کننده بود
- الاهیات سیاسی: سکولاریسم فرانسوی (لائیسیتیه) خود محصلو تعارض با کلیسا بود

فصل ۱

مقدمه و چارچوب نظری

خلاصه فصل اول

این فصل چارچوب نظری تحلیل تحولات فرانسه را ارائه می‌دهد. ما از رویکرد چندتخصصی استفاده می‌کنیم که تاریخ سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، اقتصاد سیاسی و فلسفه سیاسی را ترکیب می‌کند. پرسش محوری این است: چرا فرانسه، برخلاف انگلستان، مسیر تدریجی نرفت و به «آزمایشگاه انقلاب‌ها» تبدیل شد؟

۱.۱ طرح مسئله: معمای فرانسوی

فرانسه در تاریخ جهان جایگاه منحصر به‌فردی دارد. این کشور از ۱۷۸۹ تا امروز پانزده قانون اساسی، پنج جمهوری، دو امپراتوری، دو بار بازگشت سلطنت، و یک دوره اشغال را تجربه کرده است. این در حالی است که انگلستان بدون انقلاب خشونت‌آمیز، از سلطنت مطلقه به دموکراسی پارلمانی گذار کرد.

پرسش محوری پژوهش

چرا فرانسه نتوانست مسیر تدریجی را بپیماید؟

آیا این ناشی از ساختار اجتماعی، فرهنگ سیاسی، ایدئولوژی، یا ترکیبی از همه بود؟

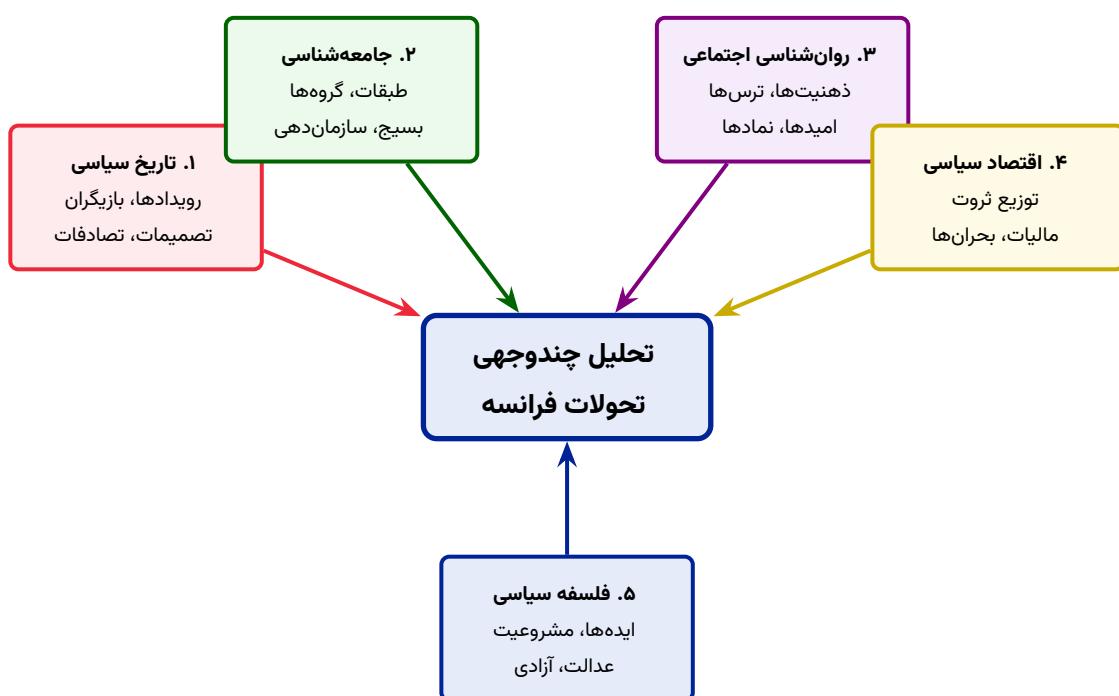
۱.۱.۱ فرانسه در مقایسه با همسایگان

جدول ۱.۱: مقایسه مسیرهای گذار به دموکراسی در اروپای غربی

کشور	از بالا	تعداد گذار	تثبیت دموکراسی
انگلستان	تدريجي	۱ (۱۶۸۸)	۱۹۲۸-۱۸۳۲
فرانسه	انقلابي	+۳	۱۹۵۸-۱۸۷۰
آلمان	از بالا	۱ (ناکام ۱۸۴۸)	۱۹۴۹
هلند	تدريجي	۰	قرن ۱۹

۲.۱ چارچوب نظری: رویکرد چندوجهی

برای فهم تحولات فرانسه، ما از پنج لنز تحلیلی استفاده می‌کنیم:



شکل ۱.۱: چارچوب نظری پنجوجهی تحلیل تحولات فرانسه

۱.۲.۱ لنز اول: تاریخ سیاسی (رویدادمحور)

این لنز بر رویدادها، تصمیمات، و بازیگران تمرکز دارد. تاریخ‌نگاران سنتی مانند **آلوفونس اولار** و **آلبر ماتیه** از این رویکرد استفاده کردند.

پرسش‌های کلیدی

- چه کسی چه تصمیمی گرفت؟
- رویدادها به چه ترتیبی رخ دادند؟
- تصادفات چه نقشی داشتند؟

۲.۲.۱ لنز دوم: جامعه‌شناسی سیاسی (ساختارمحور)

این لنز بر طبقات اجتماعی و روابط قدرت مرکز دارد. **ثدا اسکاچپول** در کتاب «دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی» این رویکرد را به کار برد.

جدول ۲.۱: طبقات اجتماعی و نقش آنها در انقلاب

طبقه	طیاری سالاری	خواست اصلی	روش عمل
ashraf	احفظ امتیازات	مقاومت، مهاجرت	
borzouazi	قدرت سیاسی	قانون‌گذاری، سازش	
طبقة متوسط	شایسته‌سالاری	رادیکالیسم	
صنعتگران	نان و کار	شورش، خشونت	
دهقانان	زمین، نان	قیام محلی	

۳.۲.۱ لنز سوم: روان‌شناسی اجتماعی (ذهنیت‌ها)

مکتب آنال فرانسه، به ویژه **ژرژ لوفور و میشل ووول**، بر «ذهنیت‌ها» (mentalités) تأکید کردند: ترس‌ها، امیدها، شایعات، و نمادهای جمعی.

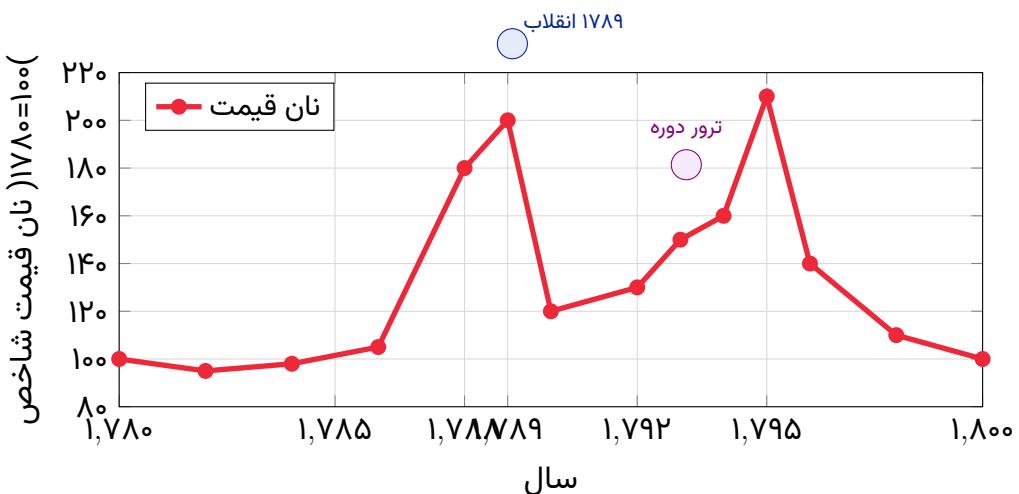
وحشت بزرگ ۱۷۸۹

«در تابستان ۱۷۸۹، شایعه‌ای در سراسر فرانسه پیچید که راهزنان استخدام شده توسط اشراف، برای سوزاندن محصول می‌آیند. این «وحشت بزرگ» نشان داد که انقلاب‌ها فقط با واقعیت‌ها نه، بلکه با تصورات هم شکل می‌گیرند.»

– ژرژ لوفور، وحشت بزرگ

۴.۲.۱ لنز چهارم: اقتصاد سیاسی

این لنز بر توزیع منابع و تعارضات اقتصادی مرکز دارد. **ارنست لاپروس** نشان داد که بحران‌های اقتصادی با موج‌های انقلابی همبستگی دارند.



شکل ۲.۱: همبستگی قیمت نان و رویدادهای انقلابی (۱۷۸۰-۱۸۰۰)

۵.۲.۱ لنز پنجم: فلسفه سیاسی

این لنز کلیدی‌ترین لنز برای فهم «چرایی» انقلاب است. ایده‌ها فقط انقلاب را توجیه نکردند، بلکه جهت دادند.

۳.۱ فلسفه سیاسی و انقلاب: تحلیل عمیق

پرسش کلیدی این بخش

فلسفه سیاسی چه نقشی در انقلاب‌های فرانسه داشت؟ آیا ایده‌ها علت انقلاب بودند یا فقط توجیه‌کننده؟ میزان آگاهی نخبگان و عوام از این ایده‌ها چقدر بود؟

۱.۳.۱ سه سنت فلسفی مؤثر



شکل ۱.۳.۱: سه سنت فلسفه سیاسی مؤثر بر انقلاب فرانسه

۱. سنت ليبرالي: مونتسكيو و ولتر

جدول ۱.۳.۱: مقایسه آرای مونتسكيو و ولتر

مولتر (۱۶۹۴-۱۷۷۸)	مونتسكيو (۱۶۸۹-۱۷۵۵)	موضوع
آزادی بیان، تساهله دینی	تفکیک قوا، توازن نهادی	آزادی
استبداد روش‌نفرگانه	سلطنت مشروطه (انگلیسی)	حکومت مطلوب
ضدیت شدید با کلیسا	نقد ملایم کلیسا	دین
طنز، انتقاد اجتماعی	تحلیل ساختاری، تاریخی	روش
سکولاریسم	قانون اساسی‌گرایی	تأثیر

مونتسكيو درباره تفکیک قوا

«وقتی در یک شخص یا یک نهاد، قدرت قانون‌گذاری با قدرت اجرایی متعدد شود، آزادی وجود ندارد؛ زیرا می‌توان ترسید که همان پادشاه یا همان سنا، قوانین ظالمانه وضع کند و ظالمانه اجرا نماید.»

— مونتسكيو، روح القوانین (۱۷۴۸)

۲. سنت جمهوری خواهانه: ژان-ژاک روسو

روسو مهم‌ترین فیلسوف انقلاب فرانسه است. او مفهوم «اراده عمومی» (volonté générale) را مطرح کرد که بعدها توسط ژاکوبین‌ها رادیکالیزه شد.

مفاهیم کلیدی روسو

قرارداد اجتماعی: مردم حاکمیت را به «کل» می‌سپارند، نه به فرد یا گروه
اراده عمومی: خیر عمومی که با رأی اکثریت قابل کشف است
آزادی واقعی: اطاعت از قانونی که خود وضع کرده‌ایم
فضیلت مدنی: شهروندان باید منافع جمعی را بر فردی ترجیح دهند

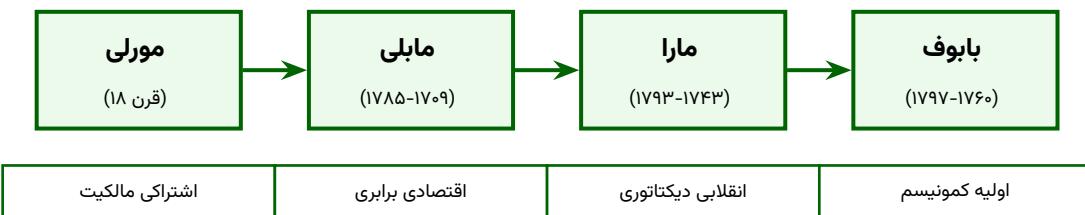
روسو درباره آزادی

«انسان آزاد زاده می‌شود، اما همه‌جا در زنجیر است. کسی که خود را ارباب دیگران می‌پنداشد، خود بردگهتر از آنهاست. این تغییر چگونه رخ داد؟ نمی‌دانم. چه چیزی می‌تواند آن را مشروع سازد؟ گمان می‌کنم می‌توانم به این پرسش پاسخ دهم.»

– ژان-ژاک روسو، قرارداد اجتماعی (۱۷۶۲)

تناقض روسو: روسو هم الهام‌بخش آزادی‌خواهان بود و هم توجیه‌گر استبداد. مفهوم «اراده عمومی» می‌توانست به این معنا تفسیر شود که اقلیت مخالف، «دشمن مردم» است و باید «مجبرو به آزادی» شود. روبسپیر این تفسیر را به کار بست.

۳. سنت رادیکال: از مابلی تا بابوف



برابرها توطنده تا مالکیت نقد از رادیکال شدن: سیر خط

شکل ۴.۱: تکامل اندیشه رادیکال در قرن هجدهم فرانسه

جدول ۴.۱: مقایسه سه سطح رادیکالیسم

رادیکال	جمهوری خواه	لیبرال	سطح
برابری اقتصادی	برابری سیاسی	برابری حقوقی	برابری
باید محدود شود	حق مشروط	حق مقدس	مالکیت
بازتوزیع کننده	فعال در تربیت	حداقلی	دولت
انقلاب اجتماعی	انقلاب سیاسی	اصلاح تدریجی	روش

۲.۳.۱ میزان آگاهی از فلسفه سیاسی: نخبگان و عوام

یکی از پرسش‌های کلیدی این است: آیا مردم عادی واقعاً ایده‌های روش‌گری را می‌شناختند؟

یافته کلیدی: دو سطح آگاهی

تحقیقات تاریخی (به‌ویژه کارهای **روژه شارتیه** و **راپرت دارنتن**) نشان می‌دهد که آگاهی از فلسفه سیاسی در دو سطح متفاوت عمل می‌کرد:

۱. سطح نخبگان: آشنایی مستقیم با متون

۲. سطح عوام: دریافت غیرمستقیم از طریق واسطه‌ها

فلسفه‌دان (روسو، ولتر، مونتسکیو)

۱۷۵۰-۱۷۶۰

تولید ایده‌های اصلی – مخاطب: نخبگان باسوساد

سالن‌ها، آکادمی‌ها، لژه‌های ماسونی

۱۷۶۰-۷۰

بحث و انتشار – مخاطب: اشراف روش‌گر و بورژوازی بالا

مطبوعات، جزوایت، تئاتر

۱۷۸۰

ساده‌سازی و عمومی‌سازی – مخاطب: طبقه متوسط شهری

فرهنگ شفاهی: کافه، میخانه، بازار

۱۷۸۸-۸۹

شایعه، ترانه، شعار – مخاطب: توده مردم

روستا: کشیش، معلم، سرباز بازگشته

۱۷۸۹-۹۳

انتقال کند و گزینشی – مخاطب: دهقانان

شکل ۵.۱: مسیر انتشار ایده‌های روش‌گری در لایه‌های جامعه فرانسه

آگاهی نخبگان

جدول ۵.۱: میزان آشنایی گروه‌های نخبه با متون روشنگری

گروه	دایره‌المعارف	قرارداد اجتماعی	روح القوانین
اشراف دربار	متوسط	کم	بالا
پارلمان‌ها	بالا	متوسط	بسیار بالا
روحانیون بالا	کم	بسیار کم	متوسط
بورژوازی بالا	بالا	بالا	بالا
وکلا و پژوهشکان	بسیار بالا	بسیار بالا	بسیار بالا

آگاهی عوام: شواهد و محدودیت‌ها

شواهد آگاهی مردم عادی

- دفاتر شکایات doléances) de (Cahiers: ۶۰,۰۰۰ دفتر از سراسر فرانسه که خواستهای مردم را نشان می‌دهد
- شعارها و ترانه‌ها: «آزادی، برابری، برادری» ساده‌سازی ایده‌های پیچیده بود
- نمادها: درخت آزادی، کلاه فریزی، سه‌رنگ
- محدودیت: اکثریت دهقانان بی‌سواد بودند (۵۰-۷۰٪)

تحلیل روزه شارتیه

«انقلاب فرانسه را نباید "کاربرد" ایده‌های روشنگری دانست. روشنگری انقلاب را نساخت؛ انقلاب بود که روشنگری را بازتفسیر کرد و به خود اختصاص داد. رابطه علی‌ساده میان کتاب‌ها و باریکادها وجود ندارد.»

– روزه شارتیه، ریشه‌های فرهنگی انقلاب فرانسه (۱۹۹۰)

۳.۳.۱ الاهیات سیاسی: نقش دین در تحولات

علاوه بر فلسفه سکولار، الاهیات سیاسی نیز نقش مهمی داشت – هم به عنوان هدف انتقاد و هم به عنوان منبع مشروعیت.

تعارض دین و انقلاب

رابطه انقلاب فرانسه با دین، یکی از پیچیده‌ترین ابعاد آن است:

- کلیسای کاتولیک بزرگ‌ترین مالک زمین بود
- کلیسا از نظام موجود دفاع می‌کرد
- انقلاب به ضدیت با کلیسا کشیده شد
- «لائیسیته» فرانسوی از دل این تعارض زاده شد

جدول ۱.۶: طیف مواضع الاهیاتی-سیاسی در آستانه انقلاب

موضع	نظریه	حامیان	پیامد سیاسی
حق الهی شاهان	قدرت شاه از خداست	بوسوئه، کلیسا رسمی	حفظ وضع موجود
گالیکانیسم	استقلال کلیسا فرانسه از پاپ	بخشی از روحانیون	اصلاحات محدود
ژانسنسیسم	اصلاح دینی، مخالف یسوعیان	پارلمان‌ها، روحانیون	مقاومت در برابر استبداد
دئیسم	خدای ساعت‌ساز، دین طبیعی	ولتر، روشنفکران	تساهل، ضد کلیسا
آنثیسم	انکار خدا	دیدرو، دولباخ	سکولاریسم رادیکال

ژانسنسیسم: پل میان دین و انقلاب

نقش پنهان ژانسنسیسم

ژانسنسیسم، جنبشی اصلاح طلب درون کاتولیسیسم، نقشی غیرمنتظره در آماده‌سازی انقلاب داشت:

۱. مخالفت با اقتدارگرایی یسوعیان و پاپ
۲. تأکید بر وجود فردی در برابر سلسله مراتب
۳. حمایت پارلمان‌ها از ژانسنسیست‌ها تقویت نهادهای مقاوم
۴. ایجاد «فرهنگ مقاومت» در برابر قدرت مطلقه

دلیل ون کلی در کتاب «ریشه‌های انقلاب فرانسه» (۱۹۹۶) این نقش را مستند کرده است.

۴.۱. روش‌شناسی: تاریخ از بالا و از پایین

دین مدنی: جایگزین انقلابی

انقلاب فرانسه تلاش کرد دین مدنی جدیدی بسازد:

جدول ۷.۱: عناصر دین مدنی انقلابی

معادل مسیحی	مصداق انقلابی	عنصر
خدای مسیحی	موجود برتر / عقل	خدا
انجیل	اعلامیه حقوق بشر	کتاب مقدس
قدیسان مسیحی	شهدای انقلاب (مارا)	قدیسان
کریسمس، عید پاک	جشن فدراسیون، جشن موجود برتر	اعیاد
کلیسا	پانتئون	معبد
تقویم گریگوری	تقویم انقلابی	تقویم

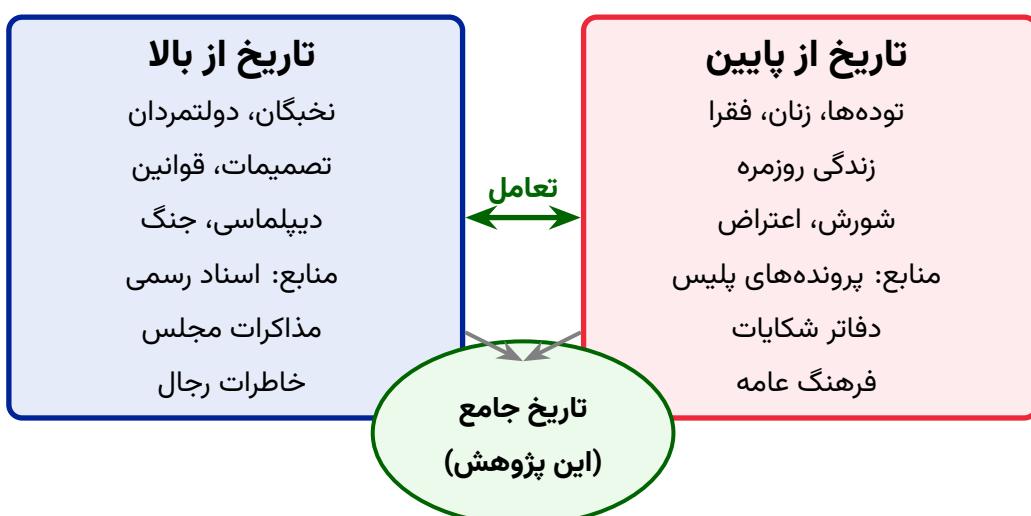
روبسپیر درباره دین مدنی

«آتهیسم اشرافی است. ایده موجود برتر که بر طبیعت نظارت دارد و از بی‌گناهی ستم‌دیده دفاع می‌کند، کاملاً مردمی است.»

– ماکسیمیلیان روسبپیر، خطابه در مجلس (۷ مه ۱۷۹۴)

۴.۱ روش‌شناسی: تاریخ از بالا و از پایین

این پژوهش از دو رویکرد مکمل استفاده می‌کند:



شکل ۶.۱: ترکیب دو رویکرد تاریخ‌نگاری

۱.۴.۱ تاریخ از بالا: چهره‌ها و تصمیمات

جدول ۱.۸.۱: بازیگران کلیدی هر دوره و تصمیمات سرنوشت‌ساز

دوره	بازیگر کلیدی	تصمیم سرنوشت‌ساز	پیامد
۱۷۸۹	لویی شانزدهم	تعليق مجلس طبقات	شورش پاریس
۱۷۹۲	زیروندن‌ها	اعلام جنگ به اتریش	رادیکال‌شدن
۱۷۹۳	روبسبیر	دولت انقلابی موقت	ترور
۱۷۹۹	ناپلئون	کودتای بروم	پایان جمهوری اول
۱۸۱۵	متحدین	بازنگرداندن بوربون‌ها	بازگشت سلطنت
۱۸۴۸	لویی فیلیپ	سرکوب ضیافت‌ها	انقلاب فوریه
۱۸۷۰	ناپلئون سوم	جنگ با پروس	سقوط امپراتوری
۱۹۴۰	پتن	متارکه با آلمان	ویشی
۱۹۵۸	دوگل	قانون اساسی جدید	جمهوری پنجم

۲.۴.۱ تاریخ از پایین: توده‌ها در صحنه

صداهای فراموش شده

تاریخ سنتی بر نخبگان مرکز داشت. اما انقلاب‌ها را توده‌ها ساختند:

- **سانکولوت‌ها:** کارگران و صنعتگران پاریس که موتور رادیکالیسم بودند
- زنان: راهپیمایی به ورسای (اکتبر ۱۷۸۹) را زنان رهبری کردند
- دهقانان: «وحشت بزرگ» و سوزاندن قلعه‌های اشراف
- سربازان: ارتش توده‌ای انقلاب، متفاوت از ارتش حرفه‌ای سلطنتی

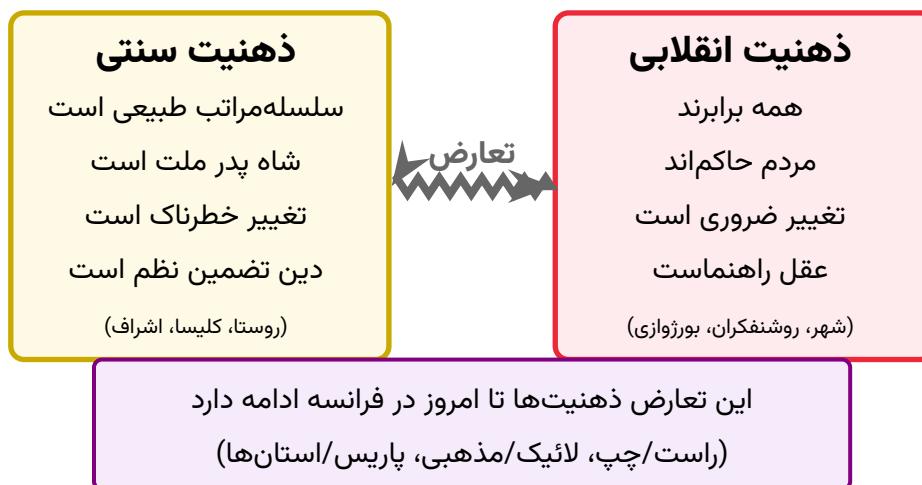
جورج رود، مورخ «تاریخ از پایین»

«ما نباید فقط بپرسیم رهبران چه کردند، بلکه باید بپرسیم: چه کسی در خیابان بود؟ از کجا آمده بود؟ چه می‌خواست؟ و چرا شورش کرد نه قبل‌تر و نه بعدتر؟»

– جورج رود، جمعیت در انقلاب فرانسه (۱۹۵۹)

۵.۱ تحلیل ذهنیت‌ها (Mentalités)

مکتب آنال فرانسه مفهوم ذهنیت را وارد تاریخ‌نگاری کرد: ساختارهای ذهنی جمعی که به کندی تغییر می‌کنند.



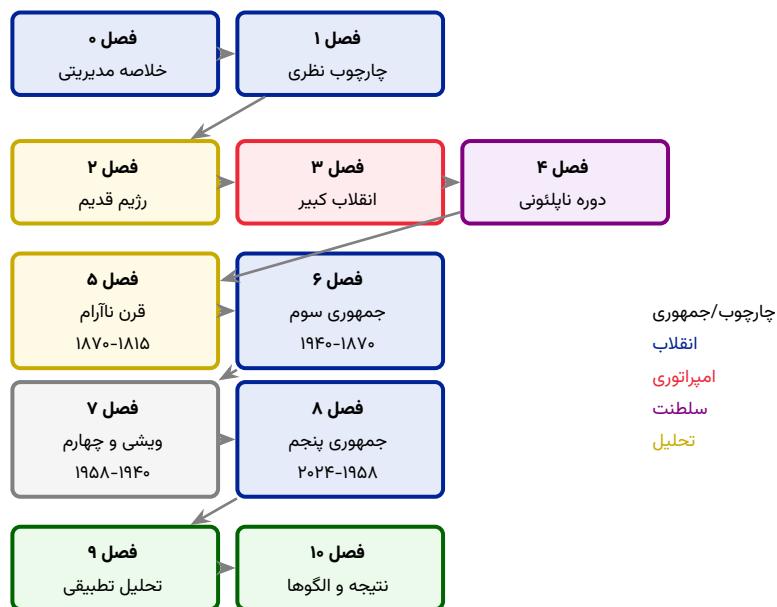
شکل ۷.۱: تعارض ذهنیت‌های سنتی و انقلابی

۱.۵.۱ مؤلفه‌های ذهنیت انقلابی فرانسوی

جدول ۹.۱: عناصر سازنده ذهنیت انقلابی فرانسوی

مؤلفه	محتوا	تجلي
تقدس انقلاب	انقلاب رویداد مقدس است	جشن‌های ملی، تقویم جدید
ماهیت جهانی	انقلاب پیام جهانی دارد	صدور انقلاب، ناسیونالیسم
دوگانه‌انگاری	خیر مطلق در برابر شر مطلق	شکار «دشمنان مردم»
اراده‌گرایی	اراده مردم همه‌چیز را ممکن می‌کند	مهندسی اجتماعی
پاریس محوری	پایتخت قلب انقلاب است	تحقیر استان‌ها
خشونت مشروع	خشونت انقلابی عادلانه است	گیوتین، کشتارها

۶.۱ ساختار کتاب



شکل ۸.۱: ساختار فصول کتاب

۷.۱ پرسش‌های راهنمای برای هر فصل

جدول ۱۰.۱: پرسش‌های کلیدی هر فصل

فصل	پرسش‌های کلیدی
۲	چرا رژیم قدیم نتوانست اصلاح شود؟ نقش بحران مالی چه بود؟
۳	چرا انقلاب رادیکال شد؟ ترور اجتناب‌ناپذیر بود؟
۴	ناپلئون انقلاب را نجات داد یا خیانت کرد؟
۵	چرا فرانسه نتوانست ثبات یابد؟ نقش طبقه کارگر جدید چه بود؟
۶	چگونه جمهوری سوم ۷۰ سال دوام آورد؟ نقش لائیسیتیه چه بود؟
۷	ویشی انحراف بود یا ادامه یک سنت؟
۸	دوگل چگونه بحران جمهوری را حل کرد؟ آیا پنجم پایدار است؟
۹	چرا مسیر فرانسه با انگلستان و آلمان متفاوت شد؟
۱۰	چه الگوهایی قابل تعمیم است؟ درس‌ها برای امروز چیست؟

۸.۱ منابع فصل اول

۱.۸.۱ منابع اولیه

۱. روسو، ژان-ژاک. قرارداد اجتماعی. ۱۷۶۲.
۲. مونتسکیو، شارل دو. روح القوانین. ۱۷۴۸.
۳. ولتر. رساله‌های فلسفی. ۱۷۳۴.
۴. دیدرو و دالمبر. دایره‌المعارف. ۱۷۵۱-۱۷۷۲.

۲.۸.۱ منابع ثانویه

.۱۹۹۱ UP, Duke Revolution. French the of Origins Cultural The Roger. Chartier, .۱ Norton, France. Pre-Revolutionary of Best-Sellers Forbidden The Robert. Darnton, .۲ .۱۹۹۵

- .۱۹۸۱ UP, Cambridge Revolution. French the Interpreting François. Furet, .۳
- .۱۹۸۴ Press, UC Revolution. French the in Class and Culture, Politics, Lynn. Hunt, .۴
- .۱۹۷۳ Pantheon, .۱۷۸۹ of Fear Great The Georges. Lefebvre, .۵
- .۱۹۵۹ UP, Oxford Revolution. French the in Crowd The George. Rudé, .۶
- .۱۹۷۹ UP, Cambridge Revolutions. Social and States Theda. Skocpol, .۷
- .۲۰۱۵ UP, Harvard Terror. the of Coming The Timothy. Tackett, .۸
- .۱۹۹۶ UP, Yale Revolution. French the of Origins Religious The Dale. Kley, Van .۹
- .۱۹۹۱ UP, State Ohio Church. the Against Revolution The Michel. Vovelle, .۱۰

جمع‌بندی فصل اول

در این فصل چارچوب نظری پژوهش را ترسیم کردیم:

- پرسش محوری: چرا فرانسه آزمایشگاه انقلاب‌ها شد؟
- رویکرد: تحلیل چندوجهی (تاریخی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصادی، فلسفی)
- فلسفه سیاسی: سه سنت لیبرال، جمهوری خواه، و رادیکال
- الاهیات سیاسی: از حق الهی شاهان تا دین مدنی انقلابی
- ذهنیت‌ها: تعارض ذهنیت سنتی و انقلابی

در فصل بعد: به رژیم قدیم می‌پردازیم و ریشه‌های ساختاری انقلاب را بررسی می‌کنیم.